

بررسی ماهیت و محتوای حق بر محیط زیست

فریده منصورخانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۱

سید باقر میرعباسی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۹

ابومحمد عسگرخانی^۳مریم مرادی^۳

چکیده:

حق بر محیط زیست سالم به عنوان یک حق اساسی و بنیادین جای خود را در مجموعه ی حقوق بشر باز کرده است. توجه ویژه به این حق موجب شناخت ظرفیت های حقوق مدنی، سیاسی، حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شده است. حق بر محیط زیست به عنوان بخشی از حیات، حق به زندگی با استاندارد، حق به بهداشت، حق به هوای سالم، حق به علائق و ویژگی فرهنگی مورد توجه قرار گرفته است.

اسناد بین المللی زیادی اعم از الزام آور و غیر الزام آور مثل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی به صورت صریح و تلویحی حق بر محیط زیست را مورد بررسی قرار داده اند. در این مقاله سعی بر این داریم که به بررسی و شناخت این حق که در راستای نسل سوم بشر نیز قرار می گیرد، بپردازیم.

واژگان کلیدی: محیط زیست سالم، حقوق بشر، نسل سوم حقوق بشر، حقوق زیست محیطی

^۱ دانشجوی مقطع دکترای رشته حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بین الملل قشم

^۲ دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

smirabbasi@gmail.com

^۳ دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

^۴ عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل قشم

حقوق محیط زیست شاخه ای از علم حقوق است که مطالعه قواعد و حقوقی موجود در زمینه محیط زیست طبیعی و انسانی می پردازد. حقوق محیط زیست علاوه بر تحت پوشش قرار دادن تمام رشته های مختلف حقوق، مانند حقوق مصرفی، حقوق عمومی و حقوق بین الملل، شامل آن دسته از حقوق است که سعی دارد مفهوم محیط زیست را در تمامی قسمت های حقوقی وارد کند. مبحث حقوق محیط زیست به منظور ارائه ی راهکارهای اجرایی برای حفاظت و بهره برداری صحیح از منابع مطرح می شود. یکی از اهداف حقوق محیط زیست حفظ تعادل اکولوژیک طبیعت در رابطه با فعالیت های انسان است. بنابراین حقوق محیط زیست فعالیت های انسان ها را بر روی عناصر و محیط های طبیعی تعریف و سازمان می بخشد و کیفیت زندگی بشر را تضمین می نماید. حقوق محیط زیست با علوم مختلف زیست محیطی، دیدگاه ها و فلسفه ی توسعه ارتباط دارد و به واسطه ارتباط تنگاتنگ با علوم و تکنولوژی عمیقاً تحت تأثیر آن ها قرار گرفته است.

حقوق محیط زیست با مفهوم اخلاق محیط زیست ارتباط تنگاتنگی دارد. اخلاق محیط زیست، مشتمل بر مجموعه ای از گزاره های اخلاقی و بایسته های ارشادی در زمینه ی محیط زیست طبیعی و انسانی است که یکی از اهداف آن ایجاد رابطه معنوی با طبیعت و محیط زیست انسانی و بهبود ضمانت اجرایی قواعد شناسایی شده در زمینه محیط زیست طبیعی و انسانی در وجدان انسان هاست. حقوق محیط زیست در برخی از اسناد «تداوم نیافته»^۱ از جمله بیانیه ۱۹۷۲ استکهلم مطرح شد که بر پایه نخستین اصل آن، انسان حق اساسی آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی را دارد که نشان انسانی و خوشبختی او را تأمین کند.^۲

حوزه تفکران فعالان حقوق بشری نیز تا دهه های پیشین، به موازات موضوعات محیط زیستی و نه در پیوند با آن، در زمینه های سیاسی، حقوقی و فلسفی و طرح قوانین و مناسبات سیاسی و اعتلای مباحث فلسفی محدود بود. لیکن در اواخر قرن بیستم، همبستگی موضوعات حقوق بشری و محیط زیستی مورد توجه جهانی قرار گرفت و رویکردهای فعالان حقوق

^۱Soft law

^۲Declaration on the Human Environment (stockholm) ۱۱ I. L. M. ۱۴۱۶ (۱۹۷۲), principles ۲

بشر و محیط زیست به یکدیگر نزدیک تر شد. این امر در بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره انسان و محیط زیست که در استکهلم برگزار شد، انعکاس یافته است. (مصفا و سایرین، ۱۳۹۰، ص ۳۱۲)

۱- شناخت حق بر محیط زیست

۱-۱- بررسی مفهوم حق بر محیط زیست

در دهه ی ۱۹۷۰ با جدی شدن نگرانی های زیست محیطی و شدت گرفتن بحران محیط زیست، حق بشر برای داشتن محیط زیست سالم مورد شناسایی قرار گرفت (زیست محیطی شدن با حقوق بشر). از طرف دیگر، حقوق محیط زیست نیز که جلوه گاهی دیگر از تنظیم روابط اجتماعی انسان است، متأثر از انسانی شدن حقوق، محیط زیست را به عنوان زمینه و موضوع حق بشر مورد پذیرش قرار داد (بشری شدن حقوق محیط زیست). با در نظر گرفتن موارد مطرح شده در بالا، حق بر محیط زیست را می توان استحقاق محیط زندگی سالم، برخورد از استانداردهای رو به رشد زندگی و برخورداری از محیط زیست در مقابل جنبه های مختلف اجتماعی و فرهنگی تعریف کرد. در صورت اثبات چنین حقی برای بشر و بالاخص در صورت لحاظ نمودن آن به عنوان مصداقی از حقوق بشر، ضرورت حمایت از آن به وسیله ی نهادهای الزام آور حقوقی روشن خواهد بود.

امروزه در کلیه متون، حق بر محیط زیست در قالب نسل سوم حقوق معرفی می گردد. به نظر، یکی از موانع فهم صحیح ماهیت و جایگاه حق بر محیط زیست در نظام حقوق بشر تفکر نسلی در برداشت ها و تحلیل ها از حق بر محیط زیست است. به این معنا که هرچند به لحاظ زمانی حق بر محیط زیست سالم در قرون بعد از دهه هفتاد قرن بیستم ظاهر گردیدند ولی این قرابت زمانی مصادف با غرابت مفهومی نیز شد. یعنی به این معنا نیست که ماهیت همه حق های این نسل را یکسان بدانیم. به همین سبب است که کاستن حق بر محیط زیست به یکی از نسل های اول آن را به صورت آخرین بازمانده نسل اول و دوم معرفی می نماید. با این حال بنیان های حقوقی نسل سوم اساساً از هنگام طرح در نظام حقوق بشر دارای ابهامات بی شماری بوده و هنوز بحث های حقوقی جدی در خصوص این دسته از حقوق وجود دارد که تعداد معدودی از آن ها در خصوص حق بر محیط زیست صادق نیست. از جمله این ابهامات می توان موارد ذیل را بر شمرد:

۱- این دسته از حقوق در هیچ یک از اسناد جهانی یا ملی مورد شناسایی صریح قرار نگرفته و تبلور حقوقی در نظام حقوقی نیافته است.

۲- صاحبان و ذی حقان و مکلفان این دسته از حقوق نیز به صورت واضح، مشخص نیستند. در حقیقت مشکل اصلی و مبنایی حق های جدید علاوه بر مشخص نبودن ذی حقان و مکلفان، عدم امکان برقراری توازن میان صاحبان و مکلفان حقوق است. (لوسین زهادی، ۱۳۸۳، ص ۲۶)

۳- قلمرو موضوعات حقوق نسل سوم مبهم و نامشخص هستند. عباراتی چون محیط زیست، صلح، توسعه و میراث مشترک بشریت مبهم بوده، به گونه ای که تعیین قلمرو موضوعات و مصادیق آن را دشوار می نماید.

۴- حقوق نسل سوم عمل گرا و جزئی نگر نیستند بلکه صرفاً اهداف کلی جامعه بین المللی یا حقوق ملی را بیان می نمایند. لذا این دسته از حقوق از آن جا که جزئی نشده اند و در حقوق ملی مورد شناسایی قرار نگرفته اند. لذا به هیچ وجه نمی شود اجرای آن را به مثابه یک حق یا تعهد از دولت ها خواست. (تاموشتات، ۱۳۸۶، ص ۱۴۲)

۵- تضمین و اجرای این حقوق به علت این که وابسته به علل و عوامل، بسترها و زمینه های مختلفی است، عملاً امکان پذیر نیست.

۲-۱- جایگاه حق بر محیط زیست

هرچند از سال ۱۹۷۰ نخستین اصل اعلامیه استکهلم منبع الهام بسیاری از قوانین اساسی ملی گردید که در آن حق بر محیط زیست به عنوان حقی بنیادین در حقوق داخلی شناخته شد ولی این حق به عنوان قاعده ای الزام آور بین المللی تبدیل نگشته است. در سال ۱۹۸۶ گروه کارشناسان محیط زیست کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه پایدار ۳ اعلام نمودند که حق بر محیط زیست سالم هنوز کاملاً به عنوان یک حق تثبیت شده در حقوق بین الملل کنونی تلقی نمی گردد. آن ها برای پر کردن این خلاء، گنجانیدن مجموعه ای از اصول حقوقی جهانی در زمینه حمایت از محیط زیست و توسعه پایدار، که با یک نگاه یکپارچه جهانی و با ابزار الزام آور حقوقی ترسیم شده و مقرر دارد که همه ی انسان ها حقی بنیادین نسبت به محیط زیست مناسب همراه با سلامتی و رفاه خود را دارند» را پیشنهاد نمودند. موضوع ارتباط میان محیط زیست و حقوق

بشر مجدداً توسط سازمان ملل متحد در خلال بحث‌های مقدماتی کنفرانس سازمان ملل متحد در خصوص محیط زیست و توسعه مطرح گردید. در سال ۱۹۸۹، بعد از برخی گفتگوهای مقدماتی، کمیسیون فرعی ملل متحد برای جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها تأکید نمود.

امروزه روند سریع رشد صنعت و فناوری و در کنار آن، ضرورت گرایش به جهانی شدن دنیا را دستخوش تحولات عظیمی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کرده است. در میان این تحولات، محیط زیست به رغم تلاش جمعی دولت‌ها و جامعه بین‌الملل برای اعمال ضوابط و مقررات حفاظتی، گرفتار تغییرات و ناپایداری‌های رو به گسترش شده که زندگی فردی و اجتماعی بشر کنونی و نسل‌های آینده را مورد تهدید قرار داده است. در عین حال جهانی شدن مسائل و معضلات جامعه بشری، ضرورت بررسی هماهنگ کلیه روندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیستی در یک چارچوب مشترک را مشخص می‌نماید.

۳-۱- ماهیت حق بر محیط زیست

حق بر محیط زیست، دارای ماهیتی دو بعدی است. بدین ترتیب که حق بر محیط زیست، هم بعد فردی دارد و هم بعد جمعی. بعد فردی حق بر محیط زیست، حق هر قربانی تخریب محیط زیست است که از تمامی فعالیت‌های مخرب محیط زیست جلوگیری کرده، خود نیز از آن خودداری کند. حق جمعی نیز نشان‌گر وظیفه‌ی دولت‌ها در مشارکت در همکاری‌های بین‌المللی و یا کمک به این همکاری‌ها برای حل مسائل زیست‌محیطی در سطح جهان است. بعد جمعی حق بر محیط زیست، بیانگر این واقعیت مهم است که تمام دولت‌ها و دیگر بازیگران در عرصه‌ی بین‌المللی، باید منافع نوع بشر را به منافع فردی مقدم دارند. (مسائلی، ۱۳۷۱، ص ۱۷۳)

به عبارت دیگر، در مقایسه با دو نسل قبلی حقوق بشر، خصوصیت حقوق همبستگی از جمله حق بر محیط زیست آن است که این حقوق در عین حال هم قابل اقامه و هم قابل مطالبه از دولت هستند. یعنی فردی که از یک مشکل زیست‌محیطی آسیب دیده باشد، بتواند ادعای خسارت کند و دولت باید یا مستقیماً به جبران خسارت قربانی بپردازد و یا راهکارهایی ارائه دهد که قربانی از طریق آن‌ها بتواند خسارت را از بخش خصوصی وصول کند. در عین حال دولت باید در حل مشکلات زیست‌محیطی بکوشد و علاقه‌ی فرد به زندگی آمیخته با شرف و آزادی را بر علاقه‌ی دولت به ثروت و قدرت مقدم دارد.

نهایتاً این که ، حق بر محیط زیست که در واقع آن را باید حق بر حفاظت از محیط زیست و در برخی موارد حفاظت به معنای حمایت در مقابل تخریب و بهبود تغییر نمود ، در عین اعطای حق و ایجاد تکلیف برای فرد ، وظایف دولت ها و موسسات عمومی را نیز گسترش می دهد یعنی بدون الحاق و اتفاق توانایی ها و کوشش های همه دولت ها ، افراد و اشخاص حقیقی ، تحقق این حقوق امکان پذیر نمی باشد.

۴-۱- محتوای حق بر محیط زیست

حق بر محیط زیست دارای اجزا و محتوایی است و این اجزا تشکیل دهنده و قوام دهنده ی حق بر محیط زیست هستند

(افتخار جهرمی ، ۱۳۸۸، صص ۱۶-۱۷)

که در ادامه به آن ها اشاره می کنیم.

۴-۱-۱- حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی

در اغلب موافقت نامه های بین المللی محیط زیست ، بخشی از آن در بردارنده ی الزاماتی برای دولت های عضو ، جهت دسترسی مردم به اطلاعات زیست محیطی است.

۱-۴-۱-۱- اعلامیه ی ریو و دستور کار ۲۱

اعلامیه ی ریو و دستور کار ۲۱ بر حق مردم جهت دسترسی به اطلاعات زیست محیطی ، تاکید می کنند. ماده ی ۱۰ اعلامیه ریو تاکید می کند که هر فرد باید کاملاً به اطلاعاتی که مقامات عمومی در مورد محیط زیست در اختیار دارند ، از جمله اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت های خطرناک در منطق دسترسی داشته باشد.

در فصل ۲۳ دستور کار ۲۱ در خصوص تقویت نقش گروهها و سازمان های عمده ، این نکته مورد توجه قرار گرفته است که افراد ، گروهها و سازمان ها باید به اطلاعات مربوط به محیط زیست و توسعه که به وسیله ی مقامات ملی مقرر شده و شامل اطلاعاتی در مورد فرآورده ها و فعالیت هایی است که احتمال می رود تأثیری عمده بر محیط زیست داشته باشد و نیز به اطلاعات مربوط به حفاظت محیط زیست دسترسی داشته باشند.

۲-۴-۱-۱- اصول راهبردی صوفیا

اصول صوفیا به چهار دسته به شرح ذیل تقسیم می گردد :

اول : اصول مربوط به دسترسی به اطلاعات زیست محیطی

دوم : اصول مربوط به مشارکت عمومی

سوم : آیین قضایی و اداری تضمین حق دسترسی به اطلاعات

چهارم : اجرای اصول توسط امضاکنندگان. (فیروزی، ۱۳۸۴، ص ۶۰)

۳-۱-۴-۱- کنوانسیون بین المللی در مورد حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی در زمینه ی محیط زیست (۱۹۹۸)

این کنوانسیون اولین سند لازم الاجرا در قلمرو بین المللی در خصوص دسترسی عمومی به اطلاعات زیست محیطی

است. این کنوانسیون همچنین سابقه ی با ارزشی در زمینه ی تعهدات دولت ها در خصوص دسترسی مردم به اطلاعات ، به

صورت کلی است ؛ لذا این سند نه تنها قدمی بسیار مهم در حمایت از محیط زیست و حق بر محیط زیست تلقی گردیده

است ؛ بلکه سند مهمی برای تضمین رعایت اصول دموکراتیک پایه گذاری شده است : اول : دسترسی عموم به اطلاعات

زیست محیطی دوم : امکان مشارکت عمومی در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی

کنوانسیون برای تضمین این حقوق برای مردم و نمایندگان آن ها به ویژه سازمان های غیردولتی آیین های قضایی و

اداری ضروری پیش بینی کرده است . کنوانسیون تاکید می کند که این حقوق بدون در نظر گرفتن رابطه ی شهروندی ،

تابعیت و یا محل اقامت ، برای همه تضمین می گردد به علاوه این کنوانسیون برای امضای کشورهای که عضو کمیسیون

اقتصادی سازمان ملل متحد برای اروپا نیستند ، باز است.

۴-۱-۴-۲- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

به موجب ماده ی ۱۰ این کنوانسیون ، دولت های اروپایی موظف شده اند که «آزادی دسترسی به اطلاعات را تضمین

کنند .»

۵-۱-۴-۱- کنوانسیون تغییرات آب و هوایی

در ماده ی ۶ این کنوانسیون آمده است :

« دولت های عضو این کنوانسیون ، در سطح ملی و در صورت اقتضا در سطح منطقه ای یا ناحیه ای ، مطابق با قوانین و مقررات ملی و در چارچوب ظرفیت های مربوطه ، دسترسی عموم به اطلاعات و شرکت عموم مردم را ارتقا داده و تسهیل خواهند کرد .»

۶-۱-۴-۱- اسناد دیگر

اسناد دیگری نیز به موضوع حق دسترسی مردم به اطلاعات زیست محیطی اشاره دارند که از جمله می توان به : پروتکل ژنو در خصوص مناطق حفاظت شده ی دریای مدیترانه ، پروتکل کینگستون در خصوص مناطق حفاظت شده ی حیات وحش منطقه ی دریای کارائیب (ماده ی ۱۶) ، پروتکل نایروبی در خصوص مناطق حفاظت شده و جانوران و گیاهان وحشی در منطقه ی آفریقای شرقی (ماده ی ۱۵) ، موافقت نامه ی آ.ی.ه آن در خصوص حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی (ماده ی ۱۶) ، کنوانسیون ساختاری سازمان ملل در مورد تغییرات آب و هوا (ماده ی ۴ بند ۱) ، کنوانسیون تنوع زیستی (مواد ۱۳ و ۱۷) و ده ها سند دیگر اشاره کرد ؛ نتیجه این که یکی از شروط اصلی تحقق حق بر محیط زیست ، حق دسترسی به اطلاعات زیست محیطی است.

۱-۴-۲- حق مشارکت شهروندان در اتخاذ تصمیمات زیست محیطی

بموجب این حق افراد حق دارند در چارچوب قوانین ملی و بصورت جمعی در قالب یک تشکل اجتماعی دولتی یا غیر دولتی NGO در اتخاذ تصمیمات که بصورت مستقیم مربوط به محیط زیست است ، مشارکت نمایند.

اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱ (اصل ۱۰ و ۲۱ و ۲۳) و دستور کار ۲۱ ب- منشور جهانی زمین (اصل ۲۳ ج)- اصول راهبردی صوفیا (۱۹۹۵ د)- کنوانسیون اسپو (espo) راجع به ارزیابی آثار زیست محیطی در زمین برون مرزی (۱۹۹۸ و)- کنوانسیون تغییرات آب و هوایی (بند ۱ ماده ۴) (ز) پیش طرح سومین میثاق بین المللی حقوق همبستگی .

۱-۴-۳- حق آموزش های محیط زیستی

دولت‌ها موظف هستند امکانات لازم را جهت ترویج فرهنگ دوستی با طبیعت حفاظت را در تمام سطوح و طبقات فراهم نمایند. همانطور که انسان حق دارد به اطلاعات زیست محیطی دسترسی داشته باشد: باید بتواند مسائل زیست محیطی را نیز آموزش ببیند. که در اصل ۱۹ اعلامیه استکهلم به این موضوع تاکید می‌کند.

۱-۴-۴- حق دادخواهی زیست محیطی

ضمانت اجرای این حق درگروی دادخواهی اشخاص می‌باشد تادادخواهی مؤثر داشته باشد این حق محدوده به اتباع ملی نبوده و برخی از اسناد بین‌المللی دارای الزاماتی عملی درمورد اعطای حق دسترسی به دادرسی قضایی و اداری براتباع بیگانه و بطور برابر با شهروندان خود می‌باشند. دسترسی یکسان به وسایل جبران خسارت مورد ملاحظه در حقوق داخلی برای اجرای اصل است پرداخت توسط آلوده ساز است. الف) - کنوانسیون اروپای حقوق بشر ماده ۲۰ ب) - اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱ ج) - پیش‌طرح سومین میثاق حقوق همبستگی - کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ اصول راهبرد صوفیا اشاره به این مضمون دارند.

۱-۴-۵- محتوای حق امنیت زیست محیطی

محتوای حق امنیت زیست محیطی دارای اجزا و ماهیت زیر است :

الف) - برخورداری یکسان از امنیت اکولوژی، به نحوی که بی‌ثباتی ایجاد شده در یک بخش از کره مسکون راتهدیدی برای کل سیاره تلقی می‌کند. بند ۲ و ۳ مقدمه اعلامیه استکهلم و اصل ۲۶ آن اعلامیه و نیز منشور طبیعت و بخش اول اصول کلی آن منشور و تصول ۲۴ و ۲۵ و ۲۷ آن منشور متضمن این معنی است .

ب) - ممنوعیت این تجاوز به اکولوژی شامل منع انتقال موارد آلوده با فعالیت‌های زیان‌رسان به دیگر کشورهای (اصل ۶ اعلامیه استکهلم و بند د جز ۱۲ منشور طبیعت).

ج) - واریسی مبنی بر تصدیق الزامات بین‌المللی اجرا شده ، و یا شاید شامل ایجاد نهاد بین‌المللی ویژه ای باوظایف ویژه مراقبت، ارزیابی، کنترل کلی بانظام امنیت اکولوژی (اصل ۱۷ اعلامیه ریو- بند ۱۹ و ۱۱ منشور طبیعت).

د) - دسترسی به اطلاعات و مبادله آن در سطح ملی و منطقه ای نسبت به امور اکولوژی اصل ۱۹ اعلامیه ریو

ه) - جلوگیری از انتقال برون مرزی آثار زیان بار به محیط زیست. بند د ماده ۲۱ منشور طبیعت .

ر) - ایجاد استفاده از مکانیزمی مناسب باروش مسالمت آمیز در حل اختلافات زیست محیطی (کیس ، ۱۳۹۰، ص ۱۰۹)

۲- بررسی مبانی حق بر محیط زیست

در این نوشتار کوشیده ایم موضوع حق بهره مندی انسان ها از محیط زیست سالم را از منظر آموزه های فلسفی بررسی نماییم و مجادله های مختلف پیرامون بنیان های برخورداری از این حق را واکاوی نماییم. بر این اساس می توان سه بنیان «نیاز انسان» ، «منفعت انسان» و «ارزش انسان» را به عنوان مبانی فلسفی این حق واکاوید.

۲-۱- مبانی فلسفی و نظری حق بر محیط زیست

حق بر محیط زیست منعکس کننده ارزش های متعالی و پایه ای همانند حق به حیات ، حق به سلامتی ، حق به زندگی با استاندارد می باشد و هم با پیش نیازهای تداوم حیات نسل کنونی و نسل های آتی همانند توسعه پایدار ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک دارد.

حفظ نسل انسان و تداوم حیات انسان در محیط امن و عاری از جنگ و خشونت از اهداف و موضوعات سازمان ملل متحد می باشد (Giorgetta, ۱۹۹۳, p۲) حمایت از بهسازی محیط زیست مستقیماً از نیازهای حیاتی برای حفاظت از زندگی انسان ناشی می گردد تا کیفیت و شرایط آن را تامین کند و پیش شرط های غیر قابل اجتناب برای مراقبت از کرامت انسان و سعادت و توسعه ی شخصیت انسانی را تضمین نماید. (Pathak, ۱۹۹۲, p۲۰۹) تنزل کیفیت محیط زیست یک تهدید جدی برای بقای انسان می باشد (ICJ ۱۹۹۶, para ۲۹) از این رو احترام به حقوق بشر ارتباط مستقیم و تنگاتنگی به حمایت و حفاظت از محیط زیست رد. چرا که زندگی انسان و تداوم حیات او و کیفیت زندگی وی منوط به سلامتی و شادابی محیط زیست است. (Boyle, Alam E and Anderson, ۱۹۸۸, p۱۰) از آن جا که نوع بشر در محیط ناسالم و آلوده در معرض انقراض و نابودی می باشد از این رو برای بقای نسل بشر محیط زیست می باید مورد حمایت قرار گیرد (Gormely, ۱۹۸۸, p۳۲).

رابطه بین حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم، توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب نموده است. از نظر آقای فینس، سه مکتب فکری بزرگ در این مورد وجود دارد. (Fitzmaurice, ۱۹۹۹, pp ۶۱۱-۶۵۶) یک دیدگاه از این امر حمایت می کند که بدون حق به محیط زیست، حقوق بشر وجود ندارد. در دیدگاه دیگر وجود این حق و یا ظهور آن بشدت سوال انگیز است و بلاخره دیدگاه سوم بر این باور است که حق بر محیط زیست سالم از بخش های دیگر حقوق بشر همچون حق به زندگی، حق به سلامتی، حق به اطلاعات قابل استخراج و شناسایی است. (Shelton, ۱۹۹۱, p ۱۰۵) در یک رویکرد متفاوت رابطه محیط زیست و حقوق بشر بر پایه دو دیدگاه انسان محور و محیط زیست محور مورد بحث قرار گرفته است. (Cook and Chambers, ۲۰۰۳, p ۱۲) در دیدگاه انسان محور، وضعیت محیط زیست به دلیل فشار و تاثیر مستقیمی که تداوم حیات و کیفیت زندگی انسان، سلامتی و رفاه بشر دارد مورد توجه قرار می گیرد. (Razaque, ۲۰۰۲, para ۱۳)

در رهیافت محیط زیست گرا حق انسان بر محیط زیست سالم بر تفسیر موسع از محیط زیست استوار می باشد و بر اساس آن افراد ذاتاً از حقوقی برخوردارند که آن ها را قادر می سازد منافع محیطی شان را اعلام کنند، ولی برای این که این منافع از حیث حقوقی شناخته و پذیرفته شود لازم نیست نشان دهیم که این منافع خیر و رفاه فرد خاص یا گروهی از انسان ها را تحت تاثیر قرار می دهد. از این دیدگاه حقوق زیست محیطی هدفی بیش از فراهم کردن ضمانت های خاص برای برخی افراد دنبال می کند و بیشتر در صدد است که به اهداف زیست محیطی هدفی بیش از فراهم کردن ضمانت های خاص برای برخی افراد دنبال می کند و بیشتر در صدد است که به اهداف زیست محیطی که توافق اجتماعی در مورد آن وجود دارد دست پیدا کند. در این رویکرد حمایت از حقوق بشر در چارچوب حمایت از علائق و نیازهای مشترک جامعه بشری همچون آب و هوا، حفظ گونه های گیاهی و جانوری، گرمایش زمین تحقق می پذیرد. تحولات اخیر در زمینه محیط زیست به سمت پذیرش بعضی از مصادیق حقوق بشری در فضای زیست محیطی گرایش دارد و این تحولات بیشتر به حقوق رویه ای توجه دارند. از جمله حق افراد برای مشارکت در تصمیم گیری های زیست محیطی و با جبران خسارات ناشی از تخریب محیط زیست، هرچند که بین رهیافت انسان محور و رهیافت محیط زیست گرا، تفاوت هایی وجود دارد لیکن هم پوشی قابل ملاحظه ای هم بین این دو مشاهده می گردد. مثلاً آلودگی شدید هم برای سلامت بشر و هم موجودیت

محیط زیست می تواند تهدید مستقیمی محسوب شود. همانطوری که ویرا ماتتری ، قاضی دیوان بین المللی دادگستری در قضیه Gabcikovo-Nagymaros اظهار نمود « حمایت از محیط زیست بخش بسیار مهمی از دکترین معاصر حقوق بشر است زیرا چنین حمایتی شرط لازم و اساسی تحقق بسیاری از حقوق دیگر مثل حق بهداشت و خود حیات است.» (CIJ, ۱۹۹۶, p۲۳).

۱-۱-۲- نیاز انسان مبنای حق بر محیط زیست

بر پایه این نظریه ، نیاز انسان مبنای حق انسان تلقی می شود . نظریه نیاز به عنوان مبنای حق ، متأثر از اصل مارکسیستی « به هرکس به اندازه نیازش » می باشد. (پولانزاس ، ۱۳۵۴ ، ص ۸۷) توجه به نیاز به عنوان یکی از مبانی حقوق بشر ، پیشتر در قالب حقوق نسل دوم (حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی) تجلی یافت مواردی چون حق کار ، بهداشت و... که به حقوق رفاهی و حق های مبتنی بر نیاز موسوم اند. (راسخ ، ۱۳۸۱ ، ص ۱۷۲) به این معنی که مبنای آن ها تامین نیازهای اقتصادی ، اجتماعی ، انسان می باشند. اعلامیه ریو بر مبنای مفهوم توسعه پایدار به تصویب رسید . توسعه پایدار بنا بر تعریف کمیسیون برانتلند توسعه ای است که نیاز نسل امروز را برطرف می کند بدون این که توانایی نسل آینده را برای رفع نیازهایشان به خطر اندازد. (فاستر ، ۱۳۸۲ ، ص ۲۹۵) در مورد حق بر محیط زیست نیز باید گفت ، نیاز انسان به محیط زیست مبنای حق انسان در برخورداری از محیط زیست می باشد. به همین سبب حق بر محیط زیست به مانند حقوق نسل دوم ، حقی قابل مطالبه است . بر این اساس آن چه طبیعت را موضوع حق و بهره مندی انسان قرار می دهد ، نیازمندی موجودی انسانی است. (امیر ارجمند ، ۱۳۷۳ ، ص ۳۲۳)

از چشم اندازی فلسفی باید گفت ، انسان در زندگی روزمره خود نیازهایی دارد که به خاطر ادامه حیات و رشد وجود خویش باید آن ها را برآورد کند. یعنی موجودیت بشر وابسته به اعمالی است که مراد از آن ها تامین نیازهای اوست. (فروغی ، ۱۳۷۵ ، ص ۳۹۵). نیازمندی انسان به علت ضرورت بقاء یا ارتقا کیفیت وجودی او ، مستلزم پاسخگویی می باشد . پاسخگویی به این وضعیت وجودی انسان متأثر از ویژگی های فیزیولوژیک و روان شناختی او ، مستلزم بر همکنش یا دیالکتیک با چیزی است که پیرامون اوست. (Foster , ۲۰۰۳, p۳)

اساساً مفهوم نیاز بیانگر دو موقعیت وجودی است :

یک : موقعیت انسان به عنوان موجود دارای نیاز

دو : موقعیت طبیعت پیرامون او به عنوان منبع پاسخگویی نیاز

در این رابطه ، آن چه در فوق اشاره شد ، می توان گفت ، ایده حق بر محیط زیست در جهت حفظ این موقعیت دوگانه (موقعیت انسان نیازمند و موقعیت طبیعت پاسخگو) وضع گردیده است. یعنی انسان به جهت موقعیت نیازمندی خود به محیط زیست ، نسبت به آن صاحب حق می شود. در طرف مقابل طبیعت پیرامون او (محیط زیست) به علت موقعیت پاسخگویی خود ، موضوع حق قرار می گیرد. نیاز به محیط زیست به انسان حق بهره مندی از آن را می دهد (پولانزاس ، همان ، ص ۸۹).

موقعیت دوگانه طبیعت ناشی از وضعیت نیاز ، حالتی طبیعی یا عینی دارد . در یک سو طبیعت نیازمند انسان و در سوی دیگر سایر اجزاء طبیعت (عین) که منبع تامین احتیاج است.

این موقعیت دوگانه طبیعی (عینی) ناشی از وضعیت نیاز ، عامل موجه پیدایش موقعیت دوگانه حقوقی ناشی از ایده ی حق بر محیط زیست می شود. در یک سو انسان صاحب حق و در سوی دیگر طبیعت موضوع حق قرار دارد. شالوده فلسفی این موقعیت دوگانه به مفهوم « غایت انگاری انسان مدارانه » باز می گردد. این مفهوم بر تفسیری از طبیعت استوار است که در آن وجود غایی طبیعت ، خدمت گذاری به نیازها و تمایلات انسانی است. فلسفه وجودی زمین در نعمت های غذایی است که به انسان اعطا کرده است. خورشید نه چنان به زمین نزدیک می شود که انسان را خشک و بسوزاند و نه چندان دور که آدمی نتواند بدان وسیله گرم شود (کاپلستون ، ۱۳۸۰ ، ص ۱۳۴) این برداشت انسان محورانه در آثار و اندیشه های بسیاری از فیلسوفان از جمله سقراط ، رواقیون ، توماس ، آکویناس ، بیکن و میل و هگل و مارکس به نحو بارزی قابل مشاهده است.

۲-۱-۲- نظریه منفعت ، مبنای حق بر محیط زیست

مطابق با نظریه منفعت ، حق یعنی منفعت تضمین شده. بر پایه دادگاه حق در راستای حفظ و حمایت از یک سود یا منفعت مطرح می گردد. از آن جا که منفعت لزوماً منحصر به انسان نیست و حیوانات و گیاهان نیز صاحب منافی می باشند ، با این وضعیت قلمرو صاحبان حق فراتر از انسان می رود. به گونه ای که می توان از حقوق حیوانات و حقوق گیاهان سخن گفت. تبارشناسی فلسفی نظریه منفعت به مکتب اصالت سودمندی یا فایده گرایی باز می گردد. طبق این ایده

ارزش اخلاقی یک عمل صرفاً به وسیله فایده آن در به حداکثر رساندن لذت و به حداقل رساندن درد یا رنج، آن گونه که در میان کلیه موجودات دارای حواس مورد ارزیابی قرار می گیرد، معین می شود. (Shaw, ۱۹۹۹, pp. ۳۱-۳۵) فایده گرایی را می توان بر حسب توجه به موجود صاحب منفعت به عنوان صاحب حق بر محیط زیست از دو چشم انداز مورد بررسی قرار داد: یک: فایده گرایی انسان محور و دو: فایده گرایی مبتنی بر حقوق حیوانات.

۱-۲-۱-۲- فایده گرایی انسان-محور

نشانه های فایده گرایی محور را می توان در آثار دو فیلسوف بزرگ مکتب اصالت فایده یعنی جرمی بنتام و جان استوارت میل شناسایی کرد. از نگاه بنتام در کتاب اصول اخلاقی و قانونگذاری، فایده گرایی در اصل حداکثر سودمندی خلاصه می شود. به عقیده وی تمامی قوانین باید برای دستیابی به بیشترین سود برای افراد و کمترین رنج برای کمترین افراد تصویب گردند. همچنین قواعد معینی وجود دارد که هر شخص در هر موقعیت چه کار کند که برای بیشترین افراد سودمند باشد. محاسبه لذت گرایانه چیزی است که بنتام معتقد بود همه مردم می بایست پیش از تصمیم گیری در خصوص فایده عمل انجام دهند، این محاسبه بستگی به قطعیت یا عدم قطعیت، دوری و نزدیکی لذت یا رنج عمل و تعداد مردمی که از آن متاثر می شوند دارد.

از دیدگاه میل ارزش طبیعت، فی نفسه و در ذات خود نیست بلکه وابسته و در خدمت سود رسانی و داشتن خیر و منفعت برای انسان است. در این وضعیت، مفهوم فایده یا سود متضمن نوعی ثنویت و موقعیت دوگانه مبتنی بر سودمندی است:

یک: موقعیت انسان به عنوان یگانه موجود دارای توانایی درک لذت و رنج؛

دو: موقعیت طبیعت یا محیط زیست به عنوان شی سودمند و مفید فایده برای انسان.

ایده حق بر محیط زیست سالم برای حمایت و حفظ این موقعیت دوگانه طرح گردیده است. موقعیت انسان مدرک سود و صاحب حق بر محیط زیست و موقعیت طبیعت به مثابه شی سودمند و موضوع حق بر محیط زیست، نشانه هایی از رویکرد فایده گرایانه را می توان در اعلامیه های ارزشی زیست محیطی نیز مشاهده کرد.

به موجب اصل دوم اعلامیه استکهلم منابع طبیعی شامل آب، هوا، خاک، گیاهان و گل ها و به ویژه نمونه های مشخص اکوسیستم های طبیعی باید برای استفاده نسل های کنونی و آینده با برنامه ریزی مناسب محافظت شوند. همچنین در بند ۳۱ و پیشگفتار اعلامیه و اصول ۵، ۶، ۷ و ۹ به پرهیز از آن چه برای انسان زیان آور است تاکید می کند به گونه ای که می توان این نقطه نظر را با رویکرد فایده گرایانه کمترین رنج برای اکثرین افراد منطبق دانست. در پیشگفتار اعلامیه ریو به لزوم احترام به منافع همگان و همچنین در اصل ۲۳ آن به حق بهره برداری از محیط زیست و منابع طبیعی به صورت محدود اشاره شده است که به نوعی بیانگر رویکرد فایده گرایانه به عنوان مبنای حق برخورداری از محیط زیست می باشد. به عبارت ساده تر تلاش انسان برای بهبود مستمر محیط زیست به شکل مطلوب و مفید و محافظت از آن، طرح اندازی مفهوم توسعه پایدار جهت تضمین استمرار سودمندی محیط زیست برای نسل های آینده، اصلاح الگوی مصرف و تولید به عنوان انگاره های مبتنی بر اصل اقتصادی هزینه - فایده را می توان وجه مثبت فایده گرایی انسان محور (بیشترین فایده برای بیشترین افراد) و از طرف دیگر مبارزه با زیان و آسیب های ناشی از آلودگی، تخریب منابع طبیعی، تهی شدن منابع تجدید ناپذیر را با وجه سلبی فایده گرایی انسان-محور هماهنگ دانست.

۲-۱-۲-۲- فایده گرایی حیوان محور

ارزش اخلاقی یک ارگانیسم تک سلولی به مانند برخی ارگانیسم های چند سلولی و هستی های طبیعی مثل رودخانه صرفاً در فایده ای که آن ها برای موجودات حساس دارند، نهفته است. رویکردی که در تعارض با فلسفه بوم شناسی عمیق می باشد که قائل به برابری تمامی انواع حیات و طبیعت می باشد. به طور خلاصه این نظریه نیز به مانند فایده گرایی انسان محور قائل به ثنویت میان اجزای مختلف طبیعت و وجود موقعیت دوگانه مبتنی بر منفعت می باشد:

یک: موقعیت حیوانات به عنوان تنها موجودات دارای حواس و قدرت ادراک لذت (فایده مثبت) و رنج (فایده منفی) که به علت داشتن این خصیصه از سایر عناصر طبیعت مجزا شده و می توانند محیط زیست پیرامون را مطابق با لذت یا پرهیز از رنج خودشان مورد بهره برداری قرار دهد.

دو: موقعیت سایر عناصر طبیعت حیوانات به عنوان موضوع سودمند یا شیء مفید فایده که مطابق با لذات و رنج حیوانات مورد استفاده قرار می‌گیرند. ایده حق بر محیط زیست از دیدگاه فایده‌گرایی مبتنی بر حقوق حیوانات برای حمایت و حفظ این موقعیت دوگانه طرح گردیده است.

۳-۱-۲- ارزش انسان، مبنای حق بر محیط زیست

در چارچوب نظریه ارزش، ایده حق یعنی قائل شدن ارزش بی‌قید و شرط برای وجود هرکس بدون در نظر گرفتن ارزش افراد بر اساس قدرت یا ثروت افراد نسبت به یکدیگر مساله ارزش انسان به عنوان مبنای حق، ابتدا در قالب نسل اول حقوق بشر طرح گردید. تمرکز بر کرامت و ارزش ذاتی انسان در اعلامیه جهانی حقوق بشر و توجه به حیثیت ذاتی انسان، به ویژه به عنوان مبنای حق در مقدمه میثاق حقوق مدنی و سیاسی حاکی از ارزش انسان به ویژه وجه ذاتی آن به عنوان شالوده حقوق نسل اول می‌باشد. (موحد، ۱۳۸۱، ص ۵۸۶) در خصوص حق بر محیط زیست سالم نیز، بند پنجم پیشگفتار اعلامیه استکهلم انسان را به عنوان ارزشمندترین موجود تلقی نموده و محیط زیست را (اعم از طبیعی و مصنوعی) متعلق به انسان محسوب می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت، انسان به جهت ارزشمند بودن و توانایی آفرینش ارزش، به عنوان منشا حق بر محیط زیست سالم به لحاظ فلسفی از سه دیدگاه قابل بررسی است:

یک: نظریه اصالت نفس: بر اساس این نظریه مبنای سازنده ارزش، ذهن انسان است که با نیروی شناخت طبیعت، ارزش را می‌آفریند.

دو: نظریه اصالت وجود که منشا سازنده ارزش را وجود انسانی به شمار می‌آورد. وجودی که با انتقال از وضع موجود به وجود اصیل از طریق عمل یا مداخله مادی در طبیعت ریا، سازنده ارزش می‌شود.

سه: نظریه اصالت طبیعت که منشا ارزش را نه در ذهن یا عمل انسان که در درون اشیاء طبیعت جستجو می‌کند.

(پویمان، ۱۳۸۳، ص ۱۹۲)

نکته قابل توجهی که می‌توان به آن اشاره کرد این است که ارزش‌گذاری طبیعت پس از طی فرایند شناخت آن حاصل می‌شود. به عبارت دیگر ثنویت ذهن/عین که مبنای شکل‌گیری ارزش است، همان دوگانگی انسان به عنوان موجود شناسا

و طبیعت به مثابه موضوع شناخت می باشد. بدین ترتیب انسان از رهگذر شناخت طبیعت، آن مورد ارزش گذاری قرار می

دهد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

هدف این مقاله شناخت تحلیلی مفهومی از حق بر محیط زیست در حقوق عمومی، زمینه های پیدایش آن و بررسی ماهیت و مبنای حق بر محیط زیست در چارچوب مکاتب فلسفی و نظری بود. در این خصوص و در مقام نتیجه گیری می توان گفت که :

۱- در تحلیل حق بر محیط زیست و عناصر آن مشکلات چندی وجود داشت. علاوه بر این روند پیدایش و تحول این حق در سطح ملی و فراملی توانست چهره ویژه این حق و نحوه تکامل آن را در حقوق عمومی معاصر نشان دهد. هدف این بخش نیز واگویی و به تصویر کشیدن مفاهیم بنیادین، زمینه های شکل گیری و تحول مفهوم حق بر محیط زیست در حقوق عمومی معاصر و زمینه های تاثیر گزار بر آن بود.

۲- پیدایش و تکامل حق بر محیط زیست در حقوق عمومی داخلی بر خلاف غالب حق ها، به شدت تحت تاثیر تلاش های بین المللی و فراملی بوده است. در این میان قوانین اساسی، رویه های قضایی و عملکرد دولت ها نقش مهمی در تکوین این حق در حقوق عمومی معاصر داشته است.

۳- می توان گفت حق بر محیط زیست را باید بر اساس تحلیل مفهومی مدنظر قرارداد که به موجب آن حق بر محیط زیست حقی است که هر فرد به برخورداری از محیط زیست سالم و عاری از آلودگی از آن برخوردار است. لیکن این حق توأم با مسئولیت انسان ها به حفظ و مراقبت از عناصر محیط زیست و تعامل و احترام به آن ها است.

۴- رویکرد های طبیعت محور در معنای تعامل انسان با طبیعت اساساً به دنبال تعدیل شدت انسان محوری محیطی هستند. شناسایی و تحول حق بر محیط زیست در مطلوب ترین حالت به دنبال هماهنگی میان منافع انسانی و محیط زیست و احترام به حقوق یکدیگر است.

منابع :

فارسی:

- افتخار جهرمی ، گودرز ، حقوق بشر محیط زیست و توسعه پایدار ، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۵ ۱۳۸۸
- امیر ارجمند ، اردشیر ، تقریرات درس حقوق بشر و محیط زیست ، دوره کارشناسی ارشد حقوق محیط
- امیر ارجمند اردشیر حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی ش ۵۰ ، ۱۳۸۸
- پولانزاس ، ن آر واقعیت و حقوق ، ترجمه نجاد علی الماسی ، تهران ، انتشارات دانشگاه ملی ایران ۱۳۵۴
- پویمان ، لویی ، اخلاق زیست محیطی ، ترجمه محسن ثلاثی ، تهران ، نشر توسعه ۱۳۸۳
- فاستر ، جان بلمی ، اکولوژی مارکس ، ترجمه اکبر معصوم بیگی ، تهران ، نشر دیگر ، ۱۳۸۲
- فروغی ، محمد علی ، سیر حکمت در اروپا ، تهران : انتشارات امیر کبیر ۱۳۷۵
- کیس ، الکساندر ، مقدمه ای بر حقوق بین الملل محیط زیست ترجمه دکتر محمد حسن حبیبی ، انتشارات دانشگاه تهران ، بخش اول ، چاپ سوم ، ۱۳۹۰
- لوسین زهادی ، رها ، نسل های حقوق بشر در ذاکریان ، مهدی ، مفاهیم کلیدی حقوق بشر بین المللی ، نشر میزان ، چاپ اول ۱۳۸۳
- موحد ، محمد علی ، در هوای حق و عدالت ، تهران ، نشر کارنامه ۱۳۸۱
- نواک جرج ، فلسفه تجربه گرا ، پرویز بابایی ، بی جا ، انتشارات آزاد مصر ۱۳۸۴
- زیست ، دانشگاه شهید بهشتی ، ۱۳۸۵
- امیر ارجمند ، اردشیر ، حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی ، مجله تحقیقات حقوقی ، شماره ۱۵ ، ۱۳۹۰
- تاموشات ، کریستین ، حقوق بشر ، انتشارات میزان ، چاپ اول ، ۱۳۸۶
- راسخ ، محمد ، حق و مصلحت ، تهران ، انتشارات طرح نو ۱۳۹۱

- فاستر ، جان بلمی ، اکولوژی مارکس ، ترجمه اکبر معصوم بیگی ، تهران ، نشر دیگر ، ۱۳۸۲
- فیروزی ، مهدی ، حق بر محیط زیست ، انتشارات جهاد دانشگاهی ، ۱۳۸۴
- کیس ، الکساندر ، مقدمه ای بر حقوق بین الملل محیط زیست ترجمه دکتر محمد حسن حبیبی ، انتشارات دانشگاه تهران ، بخش اول ، چاپ سوم ، ۱۳۹۰
- مسائلی ، محمد ، نسل جدید حقوق بشر ؛ مجله ی سیاست خارجی سال ششم ، شماره ی ۱ ؛ ۱۳۷۱
- مصفا ، نسرین و خدوم ، مجید و الماسی ، ضیاءالدین رهیافت برنامه ریزی محیط زیست ، مبتنی بر حقوق بشر، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ، دوره ۴۱ ، ۱۳۹۰
- انگلیسی:

- Berssin, Patrick (۲۰۰۵), the Environment as a human right The international Journal of human right, vol ۴۳.
- Brine w.particia and Boyle Alan E. International Law and The Environment Oxford University Press, ۱۹۹۵.
- Foster, John Bellary (۲۰۰۳), Marx` s Ecology in Historical Perspective, International Socialist Journal, Winter.
- Fitzmaurice Malgosia , THE right of THE child To Clean Environment , ۲۳ Southern Illinois University Law JOURNAL ۱۹۹۹.
- Gormely W.PAUL , the Right to a Safe and Decent Envirinment, ۲۸ The Indiana Journal of international law, ۱۹۸۸ -۳۲.
- Merini Muriel Protection de Lindividu Contre Les Nuisance Environmental Revue Trimestrielle Des droit de l Homme n . ۶۵ ,janvier ۲۰۰۶
- Mill, John Stuart (۱۹۹۶), On Nature, Uk: Philosophy Department of Lancaster niversity.
- Sachs Wolfgang : Environment as Human Right ,PUBLISHED BY Wuppertal Institute for climate Environment .Energy,no ۱۳۷ November ۲۰۰۳.
- Shelton Danish , Human Rights , Environmental Rights , and the Right to Environmental ,۲۸ ۱۹۹۱.

-Shaw, William H (۱۹۹۹). Contemporary Ethics: taking account of utilitarianism. Oxford: Blackwell Publishers Inc.

-Lee, Harold N (۱۹۴۰), A Precise, «Meaning for Objective or Subjective in Value Theory, Journal of Philosophy ,Vol, ۳۷, No, ۷.

-Rydin, Yvonne (۲۰۰۳) Conflict, consensus, and rationality in environmental planning: institutional discourse approach. Oxford University Press INC. New York.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی